

۱- مقدمه

هر اصطلاح علوم اجتماعی مانند سایر علوم در فضای مفهومی آن قابل درک است. اصطلاح سبک زندگی نیز به عنوان یکی از اصطلاحات علوم اجتماعی، پیوند مستقیم و وثیقی با مجموعه‌ای از مفاهیم آن دارد؛ مفاهیمی مانند: عینیت و ذهنیت، فرهنگ و جامعه، فرهنگ عینی و ذهنی، شکل و محتوا، رفتار و معنا، اخلاق و ایدئولوژی و... سبک زندگی اموری را شامل می‌شود که به زندگی انسان، اعم از بعد فردی، اجتماعی، مادی و معنوی او مربوط می‌شود. اموری نظیر بینش‌ها (ادراک‌ها و معتقدات) و گرایش‌ها (ارزش‌ها، تمایلات و ترجیحات) که اموری ذهنی یا رفتار درونی هستند و رفتارهای بیرونی (اعم از اعمال هوشیارانه و غیرهوشیارانه، حالات و وضعیت جسمی)، وضع‌های اجتماعی و دارایی‌ها که امور عینی هستند. سبک زندگی به عنوان تجلی عینی اندیشه‌ها و عقاید، تأثیر فراوانی نیز بر عقاید و اندیشه‌ها و بخصوص صفات انسانی دارد و از این رو شکلگیری خلق و خو و نگرش‌ها عموماً بسیار متأثر از سبک زندگی است. هر مکتب فکری فلسفی متناسب با سبک خاصی از زندگی است. سبک زندگی کنونی در عالم ما یا مدرن است یا مدرن زده و بسیاری از آسیب‌های اعتقادی، اخلاقی و اجتماعی برآمده از همین سبک زندگی است. از ششون جنگ نرم، نقد سبک زندگی غربی و زمینه‌سازی جهت یک زندگی متناسب با حیات طیبه است.

۲- سبک زندگی متناسب با دفاع مقدس

سبک زندگی متناسب با دفاع مقدس، به عنوان یک نمونه خوب برای کشورمان، سبکی قابل بهره‌برداری و اثرگذار خواهد بود. رجوع به جریانات آن دوران و بررسی سبک زندگی رزمندگان، دورنمای مناسبی در برابر ما از یک زندگی ساده و البته قابل الگوبرداری قرار خواهد داد. هر چند پرداختن به سبک زندگی در دفاع مقدس در این مجال، ممکن نیست اما اشاره‌های گذرا با نیت فتح بایی در این موضوع، ضروری به نظر می‌رسد.

۲-۱- تفاوت سبک زندگی در دفاع مقدس با سایر دوران‌ها

دوران دفاع مقدس که به طور رسمی از ۳۱ شهریورماه ۱۳۵۹ آغاز و ۲۷ مرداد ماه ۱۳۶۷ با پذیرش قطعنامه و انجام عملیات پیروزمندان مرصاد به پایان رسید، به عنوان پدیده‌ای بی نظیر یا اگر احتیاط کنیم کم‌نظیر در تاریخ، برای ملت و کشور ما، ساعت به ساعت دوران آموزشی و پرورش پرفایده و با برکت بود. بدیهی است که این دوران، با همه ویژگی‌های برتر خود، سبک زندگی خاصی را شکل داده باشد. سبکی با ابعاد مختلف اعم از فکری، روحی و رفتاری که با توجه به ظرفیت عظیم نهفته در خود، نمونه‌ای برای آن‌چه شایسته‌ی نظام جمهوری اسلامی است، به شمار می‌رود. نمونه‌ای که توجه به زوایای مختلف آن در برهه‌های حساس کشور، راهگشای کارآمدی خواهد بود.

«اگر بخواهید یک نمونه برای آن‌چه که شایسته‌ی ماست، پیدا کنید، نگاه کنید به دوران دفاع مقدس. ببینید آن جوان‌هایی که در جبهه بودند، آن پدر مادرهایی که این جوان‌ها را این‌جور می‌فرستادند، آن خانواده‌هایی که آن‌جور با شوق و ذوق جبهه را پشتیبانی می‌کردند، چه حالتی، چه احساساتی داشتند. آنها نمونه‌های خوبی است. البته نمی‌گوئیم نمونه‌ی اعلاست، اما نمونه‌های بسیار خوبی بود. ما باید به همان سیاق، با همان آهنگ و نواخت، پیش می‌رفتیم؛ ما پیش نرفتیم... این هشت سال [دفاع مقدس]، مظهری از برترین صفاتی است که یک جامعه می‌تواند به آن‌ها بیابد و از جوانان خودش انتظار داشته باشد. یعنی دفاع مقدس مظهر حماسه است، مظهر معنویت و دینداری است، مظهر آرمان‌خواهی است، مظهر ایثار و از خودگذشتگی است، مظهر ایستادگی و پایداری و مقاومت است، مظهر تدبیر و حکمت است.» (مقام معظم رهبری، ۱۳۸۷/۰۶/۲۴)

۲-۲- ابعاد سبک زندگی متناسب با دفاع مقدس

سبک زندگی در جنگ از ابعاد مختلفی قابل بررسی است. اما بطور کلی می‌توان برای آن سه بعد قائل شد: بعد فکری، که در آن اندیشه‌ها، بعد

۱. ر. ک: مقام معظم رهبری، ۱۳۸۵/۰۸/۲۰

دو نگاه

لباس خاکی عملاً سه فایده جدی داشت. یک: تفاوت‌های اجتماعی و طبقات مصرفی جامعه نمود خود را از دست می‌داد و همه در یک سطح از پوشش قرار می‌گرفتند. دو؛ استتار بود و سه؛ روشی برای دوری از تعلقات مادی بود.



زندگی به سبک آسپان

سبک زندگی در دفاع مقدس

حسن سعدآبادی

روحی، که در آن انگیزه‌ها و بعد جسمی و رفتاری، که در آن رفتارها مورد بررسی قرار می‌گیرد.

این تقسیم‌بندی در دسته‌بندی یکی دیگر از اندیشمندان علوم ارتباطات، چنین ارائه شده است:

■ **امور ذهنی** | رفتارهای درونی یا بینش‌ها (ادراک‌ها و معتقدات) و گرایش‌ها (ارزش‌ها، تمایلات و ترجیحات)

■ **امور عینی** | رفتارهای بیرونی (اعم از اعمال هوشیارانه و غیرهوشیارانه، حالات و وضعیت جسمی)، وضع‌های اجتماعی و دارایی‌ها

نکته قابل توجه این که هرچند، بخشهای مختلف با هم تفاوتی دارند؛ خصوصیات یک لشکر با لشکر دیگر متفاوت است. ولی روح کلی همه جا یکی است. سطوح مسئولیت‌ها نیز متفاوت است. یکی فرمانده لشکر است، یکی فرمانده تیپ، یکی فرمانده گردان، یکی هم رزمده. یکی اطلاعاتی است، یکی عملیاتی، یکی هم تدارکاتی. ولی باز هم فضای همه آن‌ها یک‌رنگ است.

۲-۱-۱- اول‌بعفکری

الف) اصول اندیشه‌ای: رزمندگان در دوران دفاع مقدس، از یک اصول اندیشه‌ای بهره می‌بردند هر چند شدت آن در افراد مختلف، بنا به ظرفیت هر فردی متفاوت بود. اما بهره‌مندی از آراء و اندیشه‌های حضرت امام خمینی، پایبندی به آن و حرکت در مسیر این اندیشه‌ها و در یک کلام الگوگیری از حضرت امام در آنان وحدت اندیشه‌ای ایجاد کرده بود. اصول اساسی و خدشه‌ناپذیر این اندیشه در قالب این سه محور خلاصه می‌شود:

■ **خداپاوری** | «همه بدانیم که تمام امور و از آن جمله فتح و نصر به دست خداست. و من النصر إلا من عندالله العزیز الحکیم (آل عمران/۱۲۶)»^۱

■ **معادباوری** | شهادت‌طلبی و استقبال از خطرات یا همان مرگ آگاهی، ریشه در باور عمیق رزمندگان به این قول حق تعالی دارد که می‌فرماید: «ولا تحسین الذین قتلوا فی سبیل الله اموالهم» (آل عمران/۱)

■ **ولایت‌مداری** | به عنوان نگین اعتقادات و باورهای بچه‌های جنگ، از عوامل اصلی وحدت اندیشه و عدم سرگردانی در موضع‌گیری‌ها بوده است. مروری کوتاه بر خاطرات و وصیت‌نامه‌های شهیدان، یک نکته برجسته را نمایان می‌سازد و آن توجه به مقام ولایت، فرمان‌پذیری از ولایت، دعا برای ایشان و تلاش در راه سربازی در مسیر ولایت است.

معادباوری و ولایت‌محوری حول تفکر خداجویی و دستیابی به مقام رضای حق، از ارکان اساسی باورها و اعتقادات ایشان بوده است.

ب) بصیرت و روشن‌بینی ایمان‌مدار: از جمله ویژگی‌های رزمندگان، تلاش در جهت کسب بصیرت و شناخت هر چه بیشتر شأن و جایگاه خود و انقلابی بود که برای حفظ و تداوم آن در صحنه ایستاده و آماده فداکاری همه جانبه برای آن بوده‌اند و همچنین تهدیدهایی که از ناحیه دشمنان، ایشان و آرمان‌هایشان را هدف گرفته بودند.

۲-۱-۲- دوم‌بعفکری

توجه به مباحث معرفتی و خودسازی، اثر جدی بر زندگی روزمره بچه‌های جنگ داشت. اخلاص، فداکاری و ایثارگری، دوری از نفاق و ریا، اهلیت در عمل به فرائض دینی و... بخشی از صفات بارز ایشان بود. با توجه به روحیه و نشاط جوانانه رزمندگان، پویایی و امید به آینده در نگاه آرمان‌گرایانه آنان موج می‌زد و برای حاکمیت اسلام و عدالت، همت بلند خویش را مصروف می‌داشتند. یکی از درس‌های مهم جنگ به رزمندگان، ملاک و معیار داشتن در انتخاب‌ها بود که اساس آن را تولی به دوستان اهل بیت و تبری از دشمنان اهل بیت تشکیل می‌داد. تکلیف‌مداری، ذره‌بین، معیار و ملاک انتخابشان بود.

۱- حضرت امام خمینی، صحیفه نور، ۱۳۶۱/۰۱/۱۲

میزان درآمد، سطح و پرستیژ کار و... برایشان مهم نبود. اصل کار مهم بود. می‌خواستند کاری کنند که باری از دوش امام و انقلاب بردارند.

روضه و هیأت یکی از برنامه‌های ثابت خودسازی رزمده‌ها بود. زیارت عاشورا، دعای توسل، دعای کمیل و... برای برنامه دعا و روضه هم، نیاز به هیچ چیزی نداشتند جز دل شکسته و حس و حال معنوی.

در کنار توسل، توکل‌شان هم بالا بود و ایمان به امداد الهی، آنان را به حرکت در مسیرهای سخت زندگی تشویق می‌کرد.

شعار بچه‌های جبهه، «هیبت‌نا الذله» بود. عملشان نیز همین‌طور. برای هیچ چیز و هیچ‌کس سر خم نمی‌کردند جز فرمان الهی و فرماندهان جبهه حق. صداقت شرط اول رفاقت‌ها و کارهایشان بود.

۲-۱-۳- سوم‌بعفکری و جسمی

تواضع، وجه غالب فرهنگ رفتاری ساکنان جبهه‌های جنوب بود، به‌طوری که در کلام و رفتارشان هم مشهود بود.

غالباً زیاد زحمت می‌کشیدند، کمتر می‌خوردند و کمتر می‌خوابیدند. فرهنگ حاکم بر جبهه فرهنگ کار و تلاش بود. هر کس نه فقط کاری را که به او سپرده بودند؛ بلکه هر کار مفیدی را که انجام آن به سود مجموعه بود، در حد توان و اجازه خود، انجام می‌داد.

غالب بچه‌ها لباس خاکی به تن داشتند. بعضی‌ها هم لباس سبز پاسداری، لباس پلنگی هم گاهی اوقات تن بعضی‌ها دیده می‌شد. ولی مدل همه‌اش خاکی بود. لباس خاکی عملاً سه فایده جدی داشت. یک؛ تفاوت‌های اجتماعی و طبقات مصرفی جامعه نمود خود را از دست می‌داد و همه در یک سطح از پوشش قرار می‌گرفتند. دو؛ استتار بود و سه؛ روشی برای دوری از تعلقات مادی بود. چغفیه و پلاک هم جزو متعلقات هر فرد بود. چغفیه به عنوان وسیله‌ای چندکاره اعم از حوله، سفره، زیرانداز، بادبز، عرق‌گیر و... و پلاک هم به عنوان نشانی. مرور برنامه یک روز معمولی در جبهه می‌تواند بخشی از سبک زندگی روزانه در دفاع مقدس را نشان دهد:

چابکی و سرعت عمل در جبهه خیلی مهم بود. بعضی اوقات شب‌ها مهمان برنامه «خشم‌شب» بودند و باید بشمار ۳ آماده می‌شدند. چراکه قرار بود همیشه «منتظر» باشند. منتظر همیشه آماده است.

یک ساعت به اذان صبح مانده، یک عده بیدار می‌شدند می‌رفتند توی محوطه یا حسینیه و تا اذان صبح مشغول نماز و دعا و قرآن می‌شدند. معمولاً همیشه نماز جماعت برپا بود. حتی اگر امام جماعت هم نبود، یکی از بچه‌ها جلوتر می‌ایستاد و بقیه پشت‌سرش. بعد از نماز جماعت صبح، معمولاً صبحگاه برگزار می‌شد. برنامه‌های صبح‌گاه، هم غالباً قرآن بود و دعا. بعضی جاها هم دعای «اللهم اجعل صباحنا صباح الابرار...» رسم بود.

روزهای معمولی، بعد از صبحگاه هر کس مشغول کار خودش می‌شد. یک عده در لشکر مسئولیت داشتند، یک عده نیروی آماده به کار بودند که اگر کاری باشد انجام دهند. اگر کاری نبود، معمولاً مطالعه می‌کردند. مطالعه در فضای جبهه، اجباری نبود. هر کس با توجه به سواد و سلاطنت خودش و نیازش مطالعه می‌کرد، ولی می‌گفتند حسن باقری فرمانده عملیات جنوب، فرمانده لشکرها را مجبور کرده بود تا برنامه منظم برای مطالعه بچه‌ها داشته باشند. مطالعات بچه‌ها در سه حوزه قابل دسته‌بندی بود:

۱. درسی ۲. قرآن و دعا ۳. کتب اعتقادی و اخلاقی

بچه‌های جنگ به دو چیز حساسیت جدی داشتند: امام، بیت‌المال. منش مدیریتی فرماندهان جنگ نیز بخشی از سبک زندگی در دفاع مقدس است. مدیریت میدانی، مدیریت اقتاعی و دانایی محور، مدیریت بر قلوب نیروها و ظرفیت‌سازی در جهت پرورش فرهنگ بسیجی از مهم‌ترین شاخصه‌های مدیریت جنگ بود.